

The Effect of Decriminalization on the Health of Society in Iran's Criminal System

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Saeed Moradi¹
Abbas Tadayon^{2*}
Hasan Ali Moazenzadegan³

How to cite this article

Saeed Moradi, Abbas Tadayon, Hasan Ali Moazenzadegan, The Effect of Decriminalization on the Health of Society in Iran's Criminal System, *Journal of Islamic Life Style Centeredon Health*, 2020:4(4); 191-198

1. PhD student, Department of Criminal Law and Criminology, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

3. Associate Professor, Department of Law and Political Science, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

* Correspondence:

Address:
Phone:
Email: ab.tadayyon@iau.ac.ir

Article History

Received: 2020/10/11
Accepted: 2021/01/16

ABSTRACT

The importance of specialization of the judge's proceedings is considered as a necessity by the authorities. Based on this, in order to achieve the judicial goals and the missions and strategies of this system, the guidelines and macro policies in the judicial security sector were approved in 17 paragraphs in the Expediency Council. In paragraph 10 of these policies, they have paid attention to the necessity of raising the scientific level and legal education centers in accordance with the judicial system of the country, increasing the legal knowledge of judges and strengthening the research affairs of the judiciary. In addition, in the second and third spatial development programs, which are considered as Iran's judicial corruption reform program, it is necessary to deal with matters such as decriminalization, decriminalization, revival of quasi-judicial institutions, specialization of courtrooms and the use of experts specializing in judicial proceedings. , have mentioned as part of the grand policies of the judiciary (1).

Keywords: Performance of Decriminalization, Community Health, Criminal System

عملکرد قضازدایی بر سلامت جامعه در نظام کیفری

ایران

سعید مرادی^۱

دانشجوی دکتری، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

عباس تدین^{۲*}

استادیار، گروه حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسول)

حسنعلی موذن زادگان^۳

دانشیار، گروه حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران، ایران.

چکیده

اهمیت تخصصی شدن رسیدگی‌های قاضی، امروزه به عنوان یک ضرورت در نزد مسئولان امر مورد توجه می‌باشد. بر این اساس جهت رسیدن به اهداف قضایی و مأموریت‌ها و راهبردهای این نظام، خطی‌مشی‌ها و سیاست‌های کلان در بخش امنیت قضایی، در ۱۷ بند در مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید. در بند ۱۰ این سیاست‌ها به ضرورت بالا بردن سطح علمی و مراکز آموزش حقوقی متناسب با نظام قضایی کشور، بالا بردن دانش حقوقی قضات و تقویت امور پژوهشی قوه قضاییه توجه نموده‌اند. افزون بر این در برنامه دوم و سوم توسعه قضایی که به عنوان برنامه اصلاحات تقلام قضایی ایران تلقی می‌شود، به ضرورت پرداختن به اموری همانند قضازدایی، جرم‌زدایی، احیای نهادهای شبه قضایی، تخصصی نمودن موضوع دادرسی و استفاده از کارشناسان متخصص در رسیدگی‌های قضایی، به عنوان بخشی از سیاست‌های کلان قوه قضاییه اشاره نموده‌اند (۱).

واژه‌های کلیدی: عملکرد قضازدایی، سلامت جامعه، نظام کیفری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۷

* نویسنده مسؤل: ab.tadayyon@iau.ac.ir

مقدمه

خلاء علمی و تخصصی موجود در رسیدگی‌های قضایی، پیش‌بینی راهکارهایی را در کنار آموزش کادر قضایی برای مبارزه کارآمد با جرایم اقتصادی ضروری می‌نماید. در این رابطه، بهره‌گیری از مشاور برای دادگاه‌هایی که به جرایم اقتصادی رسیدگی می‌نماید، راهکاری برای رسیدگی مناسب در این مراجع است. در واقع گاهی لازم است برای تعیین اتهام و با ایجاد مستولیت به شیوه‌های غیر قضایی متوسل شد و از تخصص افرادی خارج از کادر قضایی بهره‌گیری نمود. اهمیت اظهار نظر کارشناسان گاه چنان مهم و اساسی می‌باشد که اثبات اتهام با رفع آن، وابسته به نظر ایشان است.

در این حوزه توجه به ظرفیت سازمان‌های دولتی و بهره‌گیری از امکانات ادارات و نهادهای ذی ربط مورد توجه می‌باشد، فابده منحصر به فرد این مسئله بیشتر از آن جهت می‌باشد که نظارت دقیق کارشناسان و حسابرسان و بازرسان مسلط و مجرب به نظارت در امور و مبادلات مالی و جریان‌های سره بانکی که به شدت پیچیده و تخصصی باشند، حاشیه امنیتی ویژه‌ای را نسبت به ارتکاب جرایم اقتصادی فراهم می‌نماید. چرا که هر نوع اقدامی در این مورد بلافاصله کشف می‌شود (۲). بویژه آنکه به موازات فوق تخصصی شدن این جرایم، در غالباً موارد تنها یک کارشناس خبره می‌تواند بر آنها مسلط است و در کوتاه مدت از وقوع آنها اطلاع پیدا می‌کند. در این مورد برای مثال استفاده از هیئت‌های حمایتی حسابرسی، تشکیل واحدهای حرفه‌ای و متخصص از مأموران بانک‌ها؛ بازرسان اقتصادی، حسابداران و حسابرسان رسمی در کنار کادر قضایی امری ضروری می‌باشد. بی تردید مداخله و اظهار نظر این افراد به عنوان ضرورتی غیر قابل اغماض در اکثر موارد مانع از صدور احکام برائت به دلیل عدم اثبات جرم و با صدور احکام ناقص می‌شود (۳).

بر این اساس پیشنهاد کاربردی در این زمینه همکاری توأمان حوزه‌های قضایی و اجرایی است که در قالب نوعی از قضازدایی نسبی محقق می‌شود. بدیهی است منظور از این سخن تحدید مداخله‌ها و تصمیم‌گیری‌های قضایی نمی‌باشد، بلکه صرفاً مشروط نمودن آنها به اخذ نظر کارشناسان در قالب تعامل قوه قضاییه با دیگر سازمان‌ها و مراجع می‌باشد که به علت فقدان سازوکارهای علمی و تخصصی لازم در کادر قضایی در برخورد با جرایم فنی صورت می‌گیرد.

یکی از اساسی‌ترین مبانی در کاربرد قضازدایی غیر متمرکز بودن دادگاه‌های عمومی می‌باشد. بنابراین یکی از انواع رویکردهای قضازدایانه پس از دستگیری متهم صلاحیت بخشیدن به دادگاه و مراجع تخصصی است.

در واقع این نگرش موجب اتخاذ رویکردی می‌شود که صلاحیت تام نظام قضایی را در تشخیص، رسیدگی و صدور حکم محدود نموده و این اعمال را مشروط به کسب اظهار نظر کارشناسان و متخصصین می‌کند. بدیهیست که هدف از این امر نه به جهت کاهش اقتدار و ارج نظام قضایی می‌باشد و نه منجر به چنین نتیجه‌ای می‌شود. بلکه حاصل از این سیاست، تسریع روند رسیدگی با رعایت حداکثر استانداردهای کارشناسانه می‌باشد. این مسئله افزون بر اهمیت

تشخیصی، مجراهای جدیدی را پیش روی نظام قضایی باز می کند که در نهایت تحقق عدالت و اعتماد سازی عمومی قضایی را باعث می شود. افزون بر این هرگاه حضور کارشناسان به عنوان یک ضرورت در کنار قضات، جهت اظهار نظر مسلم است، شائبه ارتکاب این جرایم در لوای اقدامات قانونی ضعیف می شود.

گفتار اول: تحقق سیاستهای اصل ۴۴

اصل ۴۴ قانون اساسی را به جرأت می توان مهم ترین راهبرد در تحقق اهداف سند چشم انداز بیست ساله کشور تلقی نمود. یکی از مهم ترین اهداف مورد نظر در این اصل ایجاد تحول بزرگ و بنیادین در عرصه اقتصاد می باشد که با حضور پررنگ و تأثیرگذار بخش خصوصی و مردم در عرصه اقتصاد بوقوع پیوسته است، به نحوی که نقش دولت به عنوان متصدی اقتصاد به نقش حاکمیتی و تبیین کننده سیاست های کلان تبدیل شده و اقتصاد دولتی به اقتصاد مردمی مبدل شود.

تدوین سیاست های کلی اصل ۴۴ در ذیل مجموعه ای از مواد قانونی، گامی در جهت تحقق هرچه سریع تر اهداف مورد نظر این اصل می باشد. بی تردید اجرایی شدن سیاست های مورد نظر نیازمند به تغییر نگرش و فرهنگ سازی، همراه با همکاری متقابل کلیه نهادهای ذی ربط، بویژه بخش های اقتصادی اعم از دولتی، خصوصی و تعاونی می باشد (۴).

برای اجرای کامل و صحیح سیاست های مذکور در این اصل نظارتی جامع و تخصصی و به کارگیری ضمانت اجراهای مورد نیاز، امری ضروری می باشد. در این مورد بند ج ماده ۹۱ قانون اصلاح مواد از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاستهای کلی اصل ۱۴۴ مصوب ۱۳۸۷/۸/۱۰ قوه قضاییه را موظف می کند با تشویق ارجاع پرونده های اقتصادی به داور، در داور این نوع پرونده ها و همچنین بازرسی در موضوعات اقتصادی، از ظرفیت های کارشناسی بخش غیردولتی نهایت استفاده را به عمل آورده برای محقق شدن این هدف تخصصی گردان شعبه هایی از دادگاه ها برای رسیدگی به مسائل واگذاری شده به این قوه، امری ضروری می باشد، در این رابطه و به منظور اجرای بهتر و سریع تر سیاست های مذکور اصلاح قوانین و با تصویب قوانین جدید امری مهم تلقی می شود. به نظر می رسد در حوزه قضایی تشکیل یک مرجع قضایی خاص با آئین دادرسی اختصاری و اختصاصی برای رعایت اصل سرعت و دقت باید مدنظر قانون گذار واقع شود. این مهم بویژه با توجه به وسعت فرایند خصوصی سازی و احتمال افزایش تخلفات در این حوزه، مهم است. قانون اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴، برای پیش برد اهداف خود اقدام به ایجاد برخی نهادهای مورد نیاز کرده است. در این رابطه می توان به شورای عالی اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ ق.ا و نیز تشکیل شورای رقابت اشاره نمود. این شورا با هدف تسهیل کنندگی فعالیت بخش خصوصی و به طور کلی در عرصه اقتصادی و نوعی عامل برای کاهش ریسک در این بخش شکل می گیرد تا بخش خصوصی با ورود به بازار نگران انحصارات و رقباتی انحصارگر خود نباشد. حوزه اختیارات این شورا در حد و حدود تمام بازارها می باشد و

برای اعمال تسهیل رقابت، به عنوان یکی از الزامات اصل ۴۴ شورایی فراقوه‌ای، تخصصی و مستقل تعریف نموده اند.

ماده ۶۲ قانون مزبور، این شورا را فقط مرجع رسیدگی به رویه های ضد رقابتی می داند و مقرر می نماید. که این شورا مکلف است رأساً و یا بر طبق شکایت هر شخصی اعم از حقیقی یا حقوقی به ویژه دادستان کل با دادستان محل، دیوان محاسبات کشور، سازمان بازرسی کل کشور، تنظیم کننده های بخشی، سازمانها و نهادهای وابسته به دولت، تشکل های صنفی، انجمن های حمایت از حقوق مصرف کنندگان و دیگر سازمان های غیردولتی بررسی و تحقیق در مورد رویه های ضد رقابتی را آغاز و در چارچوب ماده (۱۱) این قانون تصمیم بگیرد.» (۵) در واقع اعطای صلاحیت رسیدگی به برخی از تخلفات مذکور در این قانون و صدور حکم از طرف شورای رقابت که به موجب ماده ۵۳ قانون اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴، اعتبار قانونی پیدا کرده است، مرجعی ثانویه (پس از قوه قضاییه در حمایت از اجرایی شدن سیاست های مذکور در قالب اجرای ضمانت اجراهای حقوقی از طرف یک نهاد شبه قضایی می باشد. و نیز ترکیب اعضای این شورا نشان دهنده اهتمام ویژه قانون گذار در تشکیل نهادی اختصاصی و تخصصی می باشد.

جهت انجام بهتر وظایف محوله، شورای مذکور خود برخوردار از نهادهای وابسته می باشد. در این مورد ماده ۵۴ قانون فوق مقرر می دارد: «به منظور انجام امور کارشناسی و اجرائی و فعالیت های دبیرخانه ای شورای رقابت، مرکز ملی رقابت در قالب مؤسسه ای دولتی مستقل زیر نظر رئیس جمهور تشکیل خواهد شد که تشکیلات آن به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و تصویب هیأت وزیران تعیین می شود (۵).

گفتار دوم: افزایش سرعت در رسیدگی

تأثیر فضازدایی بیش از هر چیز در روند رسیدگی به اعمال واگذار شده به مراجع غیر قضایی نمود پیدا می کند. این جلوه از آثار قضازدایی ملموس ترین اثر قابل بررسی می باشد و مصادیق عینی آن را می توان علاوه بر بحث تخصصی شدن رسیدگی در رفع اطلاع دادرسی مشاهده نمود.

تأخیر در رسیدگی که از آن تحت عنوان «اطاله دادرسی، نام برده می شود، از مهم ترین مشکلات اجرایی موجود در نظام قضایی می باشد. بروز این معضل بیش از هر چیز ناشی از حجم عظیم متون قانونی و کثرت عنوان های مجرمانه می باشد. این امر شرایط دشواری را برای قضات در کشف قاعده حقوقی حاکم بر قضیه در پی دارد، چرا که سرگردانی ناشی از این شرایط موجب بروز اختلاف نظرها و تحریک متظلمین به طرح اعتراضات و درخواست تجدید نظر به منظور بهره گیری از احتمالات می شود. نتیجه نهایی این فرایند به طول کشیدن روند رسیدگی به پرونده های کیفری و افزایش مدت زمان درگیری پرونده در روند قضایی می باشد. از این رو، مسئله اطاله دادرسی همواره در طول تاریخ عدالت کیفری از سوی جرم شناسان مورد توجه و تأکید واقع شده است. بدین نحو که بکاریا در این مورد بیان می دارد: «آنچه جامعه را در قبال خطر تبهکاران بهتر صیانت خواهد نمود، وجود قواعدی می باشد که

جناهی آن مرتبط می باشد. در کشوری که خود را تابع سیاست جنایی لیبرال می داند، آزادی نخستین ارزش جامعه می باشد. در این جامعه تفکیک میان جرم و انحراف، فشار جامعه را بر فرد ناپوسته می نماید و از طرف دیگر تحدید قلمرو مداخله دولت فقط به بزه، سبب محدود شدن فشار و اجبار دولتی می شود. از این رو در این مدل رویکرد حداقلی به حقوق کیفری موجب تحدید گستره جرم انگاری می شود. اما اگر مدل سیاست جنایی کشور چنین نباشد و آزادی ارزش اول تلقی نشود، توسل گسترده به ابزارهای کیفری امری معمول می باشد (۹). در واقع حضور مستمر دولت در امور که موجب افراط در جرم انگاری های جدید و ادغام دو مفهوم جرم و انحراف و عدم رعایت ضوابط، موازین و اصول حاکم بر جرم انگاری شده است. در نتیجه عدم پایداری به رژیم قانونی بودن حقوق کیفری و ابهام گویی و کلی گویی در متون قانونی، اجتماعی از عنوان های مجرمانه را پدید می آورد که باعث بروز پدیده تورم کیفری و انسداد و وقفه در عملکرد نهادهای درگیر عدالت کیفری و تجویز جرم انگاری های حداکثری می شود.

و این مسئله همواره در نزد حقوقدانان مورد تفسیر و مخالفت واقع شده است. «متسکیو» در این رابطه بیان می کند: «فساد یک جامعه بر دو قسم می باشد، زمانی که توده مردم قوانین را رعایت نمی نمایند که این درد چاره پذیر می باشد. دیگر قوانین توده را فاسد می کند که این درد درمانی ندارد زیرا درد ناشی از خود درمانی می باشد» (۱۰).

از این جهت است که «بکاربا، اعتقاد دارد آنچه جامعه را از خطر جرایم حفظ می نماید حتمی بودن کیفر می باشد نه تصویب پی در پی و مداوم قانون کیفری بدیهی است به کارگیری مستمر از ضمانت اجرای کیفری که به دنبال جرم انگاری های افراطی بوقوع می پیوندد، نتایج و پیامدهای چند جانبه ای را برای نظام سیاست جنایی و نیز جامعه در پی دارد. برخی از مهم ترین این آثار را می توان بدین شرح نام برد.

○ پدیده تورم کیفری به برقراری عدالت مورد نظر در حقوق جزا لطمه وارد می کند. چون در پی گسترش عنوان های مجرمانه و حجم بالای پرونده های کیفری که با توان اندک نیروی انسانی توأمان می باشد، صدور احکام نامناسب ناشی از بی دقتی و یا عدم اشراف بر تمامی قواعد و قوانین امری محتمل الوقوع می باشد (۱۱).

○ تعدد قوانین کیفری موجب ناتوانی شهروندان در شناخت و اجتناب از ارتکاب عنوان های مجرمانه خواهد شد. افزون بر آنکه تمکین از کلیه قوانین امری دشوار می نماید. این در صورتیست که عدم تمکین آنان با ضمانت اجرای کیفری مواجه می شود. نتیجه چنین رویکردی اجتماع توده کثیری از مجرمان می باشد.

○ افزایش سرسام آور میزان جرایم، وقفه و سکون را در رسیدگی های کیفری در پی دارد. این مسئله عامل مهمی در ایجاد اطاله دادرسی محسوب می شود و باعث می شود در مرحله تعقیب پرونده از طرف پلیس شاهد گزینش پرونده ها باشیم. و نیز سطح ارتکاب اقدامات غیر قانونی در دست یابی به ادله و هم وقوع اشتباهات از جانب مقام تعقیب از دیگر نتایج این پدیده می باشد.

تواند در کشف سریع و فوری جرم و تعقیب و محکومیت حتمی و مسلم مجرم به مجازات مؤثر واقع شود (۶).

ضرورت تسریع رسیدگی و فوائد آن محدود به اندیشه های مربوط به نظام های حقوقی نیست بلکه امروزه یکی از مباحث مورد توجه در مجامع بین المللی آن می باشد که به رغم تعیین قواعد مربوط به حقوق بشر و تلاش در جهت حفظ و رعایت مفاد آن در رسیدگی کیفری، نظام قضایی در تحقق عدالت قضایی به علت کندی و سستی، ضعیف و ناتوان می باشد. از این رو تسریع رسیدگی در ذیل بعضی از کنوانسیون های بین المللی مورد تأکید قرار گرفته است. در این مورد بند ۳ ماده و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مجمع عمومی سازمان ملل (مصوب ۱۹ دسامبر ۱۹۹۹) مقرر می نماید: «هر کس به اتهام جرمی دستگیر با بازداشت زندانی می شود باید او را در اسرع وقت در محضر دادرسی یا هر مقام دیگری که به موجب قانون مجاز به اعمال اختیارات قضایی باشد حاضر کرد و باید در مدت معقولی دادرسی با آزاد شود».

و نیز مستفاد از بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی (مصوب ۴ نوامبر ۱۹۵۰) هر شخصی حق دارد دعوی او در یک زمان معقول استماع شود. بدیهی است که مراد از سرعت بخشیدن به روند رسیدگی های کیفری، شتابزدگی در امر قضاوت نمی باشد، بلکه منظور رسیدگی به امر کیفری با حفظ حقوق اساسی مانند براءت، حق دفاع متهم و رعایت نظم قضایی در حداقل زمان ممکن است. تسریع رسیدگی سرد اجتماعی در پی دارد. زیرا تعقیب بزهکار و صدور حکم و اعمال آن در یک زمان معقول نتایج بازدارنده مطلوبی را نسبت به سایر افراد جامعه به دنبال دارد. حال آنکه اطاله دادرسی و تأخیر رسیدگی های کیفری بی اعتمادی فزاینده ای را نسبت به عملکرد مثبت نظام قضایی ایجاد خواهد نمود. از طرف دیگر مصلحت بزهکار و حفظ حقوق بزه دیده هم تا حد زیادی با رسیدگی سریع و به موقع تحقق پیدا می کند. در مورد بزهکار، مصلحت بزهکار ایجاد می کند تا از محو شدن دلائلی که به نفع اوست، به علت گذر زمان جلوگیری شود (۷). نسبت به بزه دیده هم تسریع رسیدگی موجبات احقاق هر چه سریع تر حقوق ضایع شده ای را که امکان دادر در اثر گذر زمان جبران آنها مقید به فایده نباشد، ایجاد می نماید.

توسل به سیاست عقب نشینی حقوق کیفری نظیر قضازدایی که با هدف تحدید دامنه مداخله نظام کیفری انجام می شود و استفاده از ابزارهای غیر کیفری از جمله راهکارهای پیشنهادی می باشد که به علت سهولت در رسیدگی و رهایی از تشریفات آئین دادرسی مورد توجه واقع شده است. چون راهبرد واقعی در به کارگیری جانشین های کیفری رهایی نظام عدالت کیفری و هم جامعه از معایب آسیب زنده التزام به کیفر نظیر اطاله دادرسی می باشد.

گفتار سوم: تراکم زدایی کیفری از جرایم اقتصاد مراد از تورم کیفری، تصویب بدون ضرورت مقررات کیفری و قطور نمودن بی رویه مجموعه قوانین جزایی با جرم انگاری های جدید است (۸). باید دانست که توسعه جرم انگاری و میزان مداخله کیفری دولت در حوزه های گوناگون، بیش از هر چیز به نوع نظام سیاسی هر کشور، ایدئولوژی حاکم و در نهایت نوع مدل سیاست

○ تزايد قوانین کیفری منجر به حقوق جزای استانی و مستمر در حال رشد می شود و نوعی تحقیر و بی اعتمادی عمومی نسبت به نظام عدالت کیفری ایجاد می کند (۱۲).

○ تورم قوانین کیفری باعث از بین رفتن حرمت حقوق کیفری خواهد شد. به نحوی که این احساس در مردم به وجود می آید که قانون بازیچه ای می باشد که خیلی زود در معرض تغییر و تحول واقع می شود.

علی رغم مطالب مذکور، هم چنان برخی از نظام های حقوقی بر کاربرد کیفر به عنوان بهترین ابزار بازدارنده اصرار می نمایند. در این نظام ها پیش فرض های موجود نسبت به عملکرد نظام کیفری و نقشی که از پیش برای دولت پذیرفتند، مانع از فرض صورت های دیگری از راه های مقابله با اعمال ممنوع می باشد. این رویکرد باعث می شود که اکثر سازمان ها، وزارتخانه ها و نهادهای اجتماعی و سیاسی جهت اطمینان از اجرا و پیش برد اهداف خود به جرم انگاری و توسل به کیفر در قالب تنظیم لوایح پیشنهادی به دولت اقدام کنند. بی آنکه نماید که در بیشتر موارد رعایت قوانین در این ارگان ها نیازمند تدابیر و طرح برنامه های غیر کیفری می باشد (۱۳).

در نظام حقوقی ایران علاوه بر موارد فوق، خلط مفاهیم گناه و جرم و هم تعدد مراجع قانون گذاری از دیگر عوامل بر وقوع پدیده تورم کیفری می باشد.

در این مورد می توان از دخالت نهادهای سه گانه ای در ارتباط با جرایم اقتصادی نام برد.

نهادهای سیاست گذار: عینی ترین نمونه در این مورد مجمع تشخیص مصلحت نظام می باشد که فعال ترین مرجع در مورد مبارزه با جرایم اقتصادی تلقی می شود.

طبق اصل ۱۱۲ فا این مجمع برای تشخیص مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و با قانون اساسی می داند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورای نگهبان را تأمین نماید و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می دهد و دیگر وظایفی که در این قانون ذکر شده است به دستور رهبری ایجاد می شود. بر این اساس باید این مجمع را یک نهاد سیاست گذار و تصمیم گیر کلان دانست. به ویژه مهم ترین سیاست گذاری ها در حوزه اقتصاد از طرف این مجمع، تصویب سیاست های کلی در مورد اقتصاد و تبیین راهکارهای اجرایی اصل ۴۴ ق. ۱ می باشد که در راستای تدوین و ترسیم یک اقتصاد سالم و پیشرفته انجام می شود (۱۴).

نهادهای قانون گذار: برای مبارزه با جرایم اقتصادی تقریباً تمامی نهادهای حکومتی درگیر می باشند. بارزترین نمود این دسته از نهادها مجلس شورای اسلامی است که صراحتاً اصل ۵۸ ق. ۱ وظیفه اعمال قوه مقننه را بر عهده می گیرد. در بررسی میزان توجه این مجلس به قانون گذاری در حوزه جرایم اقتصادی می توان به تصویب قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی مصوب ۱۳۱۹ و هم تصویب قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری مصوب ۱۳۹۷ اشاره کرد.

نکته قابل توجه در این رابطه آن می باشد که علی رغم انتظارات قانونی برخی از نهادهای حکومتی در مورد جرم انگاری های اقتصادی فراتر از نهاد صالح یعنی مجلس شورای اسلامی اقدام به قانون گذاری کرده اند. در این مورد مشخص می توان به مجمع تشخیص مصلحت نظام اشاره کرد. در واقع در امر مبارزه با جرایم اقتصادی هیچ نهادی به اندازه مجمع تشخیص مصلحت نظام فعال نمی باشد. این در صورتیست که همان طور که بیان شد این مجمع ماهیتاً به عنوان نهادی سیاست گذار می شناسند. اما در عمل، موارد متعددی از قانون گذاری از طرف این مجمع قابل مشاهده می باشد. مهم ترین این قوانین، قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۷۷، قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۶ و قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس و واردکنندگان و توزیع کنندگان و مصرف کنندگان اسکناس مجعول مصوب ۱۳۱۹ می باشد.

نهادهای مقرررگذار: نظیر قوه مجریه که با تصویب آئین نامه، بخش نامه و مصوبات لازم الاجراء ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ... در این مورد اقدام به قانون گذاری کرده اند. مثلاً می توان به آئین نامه پیشگیری و مبارزه با رشوه در دستگاه های اجرایی مصوب ۱۳۸۳ از سوی هیئت وزیران اشاره کرد که بر اساس ماده ۱ آن و کارکنان و مسؤولان دستگاه های اجرایی که بر اساس بندهای ذیل مبادرت به اخذ وجه و با مال کند یا سند پرداخت وجه با تسلیم مالی را دریافت کنند یا موجبات جلب موافقت و مذاکره و یا وصول و ایصال مال با سند پرداخت وجه را فراهم کند، با توجه به بند (۱۷) ماده (۸) قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲ پرونده آنان به هیأت های رسیدگی به تخلفات اداری برای اعمال مجازات متناسب ارجاع می شود.

با توجه به مطالب فوق اینطور استنباط می شود که متأسفانه در شرایط کنونی معضل تعدد مراجع قانون گذاری مشکل مهمی می باشد که علاوه بر پراکندگی و تشتت، موجب تورم قوانین این حوزه شده است. در واقع اقدامات هریک از نهادهای فوق، در مجموع حجم قابل توجهی از قوانین و مقررات پراکنده پدید می آورد. در این شرایط امکان شناخت قوانین منسوخ، اصلاحی و تکراری امری دشوار می نماید که نیازمند به بررسی های فراوانی می باشد.

تشتت و تورم مذکور بیش از هر چیز ناشی از دخالت دولت در امور و فعالیت های اقتصادی می باشد. ذکر این نکته ضروریست که نفوذ حقوق کیفری در این مورد به دو صورت می باشد: در حالت عادی دخالت حقوق جزا به منظور حمایت از برخی امور اقتصادی می باشد و عموماً در تقنین آنها به اصول و ضرورت های جرم انگاری توجه می شود. اما گاه بروز برخی از مشکلات اقتصادی ناشی از بحران های اقتصادی، جنگ، انقلاب و نظایر آنها دولت ها را مجبور به دخالت سریع و مقطعی می نماید. این مشکل شکل غیر عادی جرم انگاری اقتصادی است و معمولاً بدون توجه به یافته های جرم شناسی و کارشناسی صورت می گیرد. نمونه این امر بویژه در تصویب قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی (مصوب ۱۳۱۹) قابل مشاهده می باشد (۱۵). این مسئله زمانی مشکل آفرین خواهد بود که با رفع شرایط بحران و گذر از نیازهای مقطعی،

اقداماتی از جمله، دسترسی مطمئن، نتایج قابل پیش‌بینی، نتایج به موقع و راه‌حل‌های مناسب را فراهم کند. به نوبه خود، نتایج خروجی سیستم قضایی به محدوده ورودی‌ها متکی هستند، از جمله:

۱- تصمیم‌گیرندگان بی‌طرف و صالح ۲- منابع دادگاه کافی ۳- رویه‌های اداری متعادل ۴- اطلاعات عمومی کامل (برای کمک به پیش‌بینی) ۵- قوانین کاملاً تصور شده، واضح و مکتوب ۶- انتظار مشخص و کاملاً درک شده از دادگاه‌ها.

عملکرد قضایی در مرکز آرایه‌ای از الگوهای تصمیم‌گیری قرار دارد. بیشتر فعالیت‌های اقتصادی بدون مراجعه مستقیم به این مرکز پیش می‌رود، اما حضور مرکز قضایی تأثیر گسترده‌ای در صحنه اقتصادی خواهد داشت. در واقع نحوه عملکرد مرکز است که ماهیت این تأثیر را تعیین می‌کند.

یک سیستم قضایی کارآمد مسوولیت مدنی را بر عهده همه اعضای یک جامعه می‌گذارد. این موضوع بستری را فراهم می‌کند که می‌توان با اطمینان برخی از روابط بین فردی یا غریبه‌ها را ایجاد کرد. ترتیبات موثر قضایی به هر فردی امکان تأمین حقوق خصوصی را می‌دهد و انتظار می‌رود در صورت درگیری یا چالش، دخالت دولت یا حملات دیگر، این حقوق را حفظ کند. از منظر فعالیت اقتصادی، معاملات تجاری غیرشخصی چشم‌انداز بیشتری برای شکوفایی دارند. این فعالیت لازم نیست به محافل اجتماعی، گروه‌های قومی، جوامع محلی، شرکت‌های بزرگ، قبایل یا روابط خانوادگی محدود شود. بلکه پایه‌ای برای تقسیم کار پیچیده در تمام اقشار جامعه را نتیجه می‌دهد، که به نوبه خود به سطح بالایی از فعالیت اقتصادی گسترده منجر می‌شود.

اجرای اساسنامه از سوی سازمان‌های دولتی به وسیله دادگاه‌های موثر انجام می‌شود. زمانی که آژانس‌ها آیین‌نامه‌هایی را برای اجرای اساسنامه می‌نویسند، اگر دادگاه‌ها کارآمد شناخته شوند، احتمال رسیدگی به دادگاه‌ها برای تهیه پیش‌نویس با کیفیت بهتر فراهم می‌شود، چیزی که در اغلب کشورها وجود ندارد. هنگامی که آژانس‌ها تصمیمات اداری اختیاری اتخاذ می‌کنند، احتمال تجدیدنظر در دادرسی در مواردی که دادگاه‌ها به‌طور موثر کار می‌کنند، تمایل به خرده‌استبداد در میان مقامات را کاهش می‌دهد. ایجاد قوانین جامعه در دو سطح قانون اساسی و قانونگذاری نیز می‌تواند از طریق سیستم قضایی کارآمد تنظیم شود. اگر قانونگذاران بدانند که دادگاه‌ها کار آنها را بررسی می‌کنند، توجه بیشتری به طرح آنها دارند. در یک کلام، آزمون نهایی یک سیستم قضایی این است که آیا این اطمینان را به شهروندان می‌دهد که در صورت لزوم، نهادی در دسترس است که می‌تواند برای دفاع از حقوق خود، حتی در برابر پادشاه، به آن مراجعه کنند؟ در ارزیابی روند قضایی در مورد عملکرد اقتصادی، نادیده گرفتن سازوکارهای خصوصی جایگزین که به‌طور غیررسمی برای جبران نقص سیستم قضایی به وجود می‌آیند، آسان ولی اشتباه است.

چالش‌های قضازدایی بعد از انقلاب نکات مثبت و منفی قضازدایی یا خصوصی سازی قضاوت از جمله تدابیری است که قانونگذار ایران به آن توسل جسته است لذا همچون قوانین قبل از انقلاب، در قوانین بعد از انقلاب نیز قضازدایی در قلاب مفاهیمی از

اقدامی در جهت تطبیق قوانین با شرایط زمان صورت نگیرد و بر اجرای طولانی مدت این قوانین که خاصیت اصلی آنها در موقتی بودن آنها است، تأکید شود

در چنین شرایطی، قضازدایی به عنوان یکی از موثرترین راهکارهای عقب‌نشینی حقوق جزا، نقش مؤثری در برون رفت از چالش ایجاد شده به موجب تراکم و تشتت قوانین دارد و منجر به ایجاد تحولی ساختاری در نظام قضایی شده است. خروج پرونده‌ها از فرایند رسیدگی قضایی به موجب این روش، شبوه‌های برای خلوت کردن محاکم و ایجاد فرصت برای رسیدگی دقیق به پرونده‌های مهم تلقی می‌شود. در نظام حقوق داخلی بحث از قضازدایی در قالب تنظیم لایحه، بخشنامه و یا در ذیل سخنرانی‌های رئیس قوه قضاییه مورد توجه قرار گرفته است. نتیجه این رویکرد تشکیل برخی نهادهای مدنی و شبه قضایی در رسیدگی به دعاوی کم‌اهمیت و یا دارای ماهیت اختصاصی بوده است.

در نهایت باید متذکر شد که پیش‌بینی سازوکارهای لازم برای ساماندهی پاسخ‌های غیر کیفری در درون سازمان‌هایی که رسیدگی به مسائل قضازدایی شده در دستور کار آنها قرار گرفته است، امری ضروری است. چرا که در بیشتر موارد تجدید نظر از احکام صادره توسط سازمان‌ها توسط مراجع قضایی صورت خواهد گرفت و این مسئله در صورت کثرت آرای تجدید نظر خواهی همان آثار پیش‌گفته از تراکم کیفری را در پی خواهد داشت.

گفتار سوم: سیستم قضایی در نظام بازار آزاد
تحقیق درباره هزینه اجرای ضعیف نیاز به درک بهتری از نقش یک سیستم قضایی در ارتباط با سایر عناصر یک اقتصاد دارد. چگونه می‌توان هزینه‌ها را توصیف و اندازه‌گیری کرد؟ آیا می‌توان «عملکرد» بخش قضایی را از نظر عواملی مانند دسترسی به دادگاه‌ها، مدت زمان رسیدگی، قابل پیش‌بینی بودن نتایج، بی‌طرفی قضاوت و کفایت اقدامات قانونی اندازه‌گیری کرد و این عملکرد را با توجه به کدام نوع هنجارها می‌توان سنجید؟

تصمیم‌گیری موثر قضایی برای ایجاد، حفظ و تنظیم اقتصاد بازار آزاد ضروری است. این تأثیر در فضای قانونی و اقتصادی، ناشی از چیزی است که در دادگاه‌ها اتفاق می‌افتد. اگرچه به نظر می‌رسد هیچ سیستمی ایده‌آل نیست، اما سیستم‌های قضایی که به خوبی کار می‌کنند، هم در روال معمول و هم در قانون مدنی یافت می‌شوند. کشورهای کوچک، مانند کاستاریکا و شیلی، دارای سیستم‌هایی هستند که کاملاً خوب کار می‌کنند، این نشان می‌دهد که کشورهای پیشرفته بزرگ منحصراً سیستم قضایی خوبی ندارند. به عنوان مثال دلایل خوبی برای انتقاد از سیستم قضایی ایالات متحده وجود دارد. با توجه به تنوع سیستم‌های حقوقی قانون آیین دادرسی و دادگستری، در کشورهای مختلف، تعریف دقیق عناصری که یک سیستم قضایی «ایده‌آل» را تشکیل می‌دهند احتمالاً نتیجه‌بخش نیست. با این حال، یک توصیف از نتایج یک سیستم قضایی در مورد حمایت از آزادسازی اقتصاد می‌تواند به تجزیه و تحلیل در این خصوص کمک کند. البته همچنین در نظر گرفتن ورودی‌های لازم دیگری نیز مفید خواهد بود. به عقیده دکتر رابرت شروود، یک سیستم قضایی کارآمد برای اینکه از بازار بهینه و آزاد پشتیبانی کند باید (۱۶)

5. Hosseini, Seyyed Mohammad, 2013 Criminal Policy in Islam and the Islamic Republic of Iran, third edition, Samit Publications
6. Darabi, Shahrdad, 2015, crime prevention in the democratic model of criminal policy, first edition, Mizan Publishing House,
7. Bekaria, Caesar, 2013, Treatise on Crimes and Punishments, translated by Mohammad Ali Ardebilai, Hefatam Publishing House, Mizan Publishing.
8. Khazaei, Manouchehr, 1377, Criminal Procedure, Tehran, Ganj Danesh Publications.
9. Habibzadeh, Mohammad Jaafar, Najafi Ebrandabadi, Ali Hossein, police station, Kiyomarth, 1380, criminal inflation, factors and consequences, Modares Journal of Human Sciences, Volume 5, Number 4(21, (
10. Dalmasi, Marti, 1387, The Great System of Criminal Politics, translated by Ali Hossein Najafi Abrandabadi, Tehran, Mizan Publications.
11. Habibzadeh, Mohammad Reza, 1383, Pathology of Criminal Justice, Journal of Social and Human Sciences of Shirazi University, Volume 21, Number 2 (41.)
12. Sherman, 1379, criminology and criminalization, challenge and guarantee of criminal execution, translated by Ruhollah Kurd Alivand, Journal of Justice, No. 33
13. Gassen, Raymond, 1371, the crisis of criminal policies in Western countries, translated by Ali Hossein Abrandabadi, legal research, number 10
14. Mahmoudi Janaki, Fair Vez, 2017, Decriminalization as a Change, Law Quarterly Journal of Faculty of Law and Political Science, 38, No. 1
15. Mahdavi-pour, Azam, 2015, differential criminal policy in the realm of economic crime, Tehran, Mizan publications, Shams Natri, 2017, factors and results of criminal inflation and solutions to deal with it, jurisprudence and law 2017, collection of

خانواده عدالت ترمیمی مانند مصالحه، سازش، اصلاح ذات البین، حکمیت و ... به چشم می خورد. در بند اول اصل ۱۵۰ قانون اساسی نیز یکی از وظایف قوه قضاییه، حل و فصل دعاوی و رفع خصومت در نظر گرفته شده است. استفاده از واژه های حل و فصل و رفع خصومت، توسل به اقداماتی مانند مصالحه و سازش و اصلاح ذات البین را متبادر به ذهن می نماید. قانون گذار در سال 1366 قانون تشکیل دادگاه های سیار را تصویب نمود که می توانست در جهت صلح و سازش اقدام کند. در قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب، پیش بینی قاضی تحکیم در جهت حل و فصل خصومت نیز قضازدایی قلمداد می گردد. در قانون تشکیلات، وظایف، انتخابات شوراهای اسالمی و انتخاب شهرداران که در سال ۱۳۷۵ تصویب شد طبق ماده ۰۸ این قانون یکی از وظایف شوراهای اسلامی روستا تالش برای رفع اختلافات افراد و محالته و حکمیت میان آنها می باشد. در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1378 مستند به ماده ۱۹۵ قاضی دادگاه توصیه می شد که در صورت امکان با صلح طرفین، قضیه را خاتمه دهد و نهایتاً در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در مواد ۱ و ۸۲ و ۸۳ صراحتاً صلح و سازش و میانجیگری ذکر گردیده است.

نتیجه گیری

در طول دوره تحولات حقوق کیفری نظریه های متعددی که بروز و ظهور پیدا کرده اند، در پی یکسری مشکلات و نارساییهای بوده است که من حیث زمینه تشکیل این نظریه ها تلقی میشود یعنی این مشکلات باعث شده است چنین نظریه هایی به وجود آید. لذا هر یک از نظریه های به وجود آمده با پیدایش خود اهدافی را به عنوان راه حلهای مؤثر دنبال می کند. در این میان تفکر قضازدایی که از نظریه های مهم تعامل گرایی به حساب می آید، از دهه های ۶۰ و ۷۰ میلادی به طور جد وارد ادبیات جرم شناسی شد علت پیدایش این نوع تفکر، وجود مشکلاتی بود که ناکارآمدی دستگاه عدالت رسمی کیفری را به دنبال داشت. در پی آن، قضازدایی با دنبال کردن اهداف مورد نظر سعی کرده است تا معمای به وجود آمده را حل نماید.

References

1. Jamshidi, Alireza, 2015, Participatory criminal policy, 2nd edition, Tehran, Mizan publishing house
2. Deputy of Judiciary Education, 1387, 177
3. Deputy of Judiciary Education, 1387, 177
4. Vaisheti, Mehrani, 2018, evaluation of criminal intervention in the field of economic crimes, Detective Magazine, Volume 2, Number 7

articles of the first national conference on explaining the scientific position and role Dispute Resolution Council in the Judicial System of the Islamic Republic of Iran, 1378, published by the General Justice of Hamedan Province and the Islamic Azad University of Hamedan Branch.

16. Shams Natri, 1387, factors and results of criminal inflation and solutions to deal with it, jurisprudence and law 17, p. 103

17. The collection of articles of the first national conference on explaining the scientific position and role of the dispute resolution council in the judicial system of the Islamic Republic of Iran, 1378, published by the General Justice of Hamedan Province and the Islamic Azad University of Hamedan Branch, p. 329